

فضایل و اجتهاد خود در مسایل فتوا کند و امضی ستاند - و
 عرض عرفان و افضال نزد صبیان و اطفال نیز بعینها
 مثل اسب تازی و نیزه بازی حق نظرمانی در مدرسه چهار
 باغ اصفهان است - و تصدیق شجاعت خواستن از
 طلاب رشت و مازندران - تیمور گورکان که سید جرجانی
 را با فاضل تفتازانی بمعارضت نشانده قومی از تلامذه
 بوالفضول بتغیر فاضل برخاستند که چرا اظهار عرض خود
 کردی - نه انکار قول خصم - و حال آنکه تیمور پادشاهی بود
 در کشور خویش و در عالم علم درویش - فاضل گفت
 کدام عجز و التزام بالاتر از آن باشد که چون منی را عالمان
 جاهل شناسند و جاهلان عالم - شیخی مدعی را که کودکی مبتدی
 زیرک و عفتی گوید اگر فی الفور باور کند و سهلت مالده جای
 خنده عقول و الباب است بل وقت گریه بر علوم و آداب

نیست نخاس کس از مطر قه و اند همه کس

سبز دارد بن دندان ضوا حاک نخاس

معنی علم و فضل نه تنها سپیدی جامه و سیاهی نامه و پامه

گردگانی و عمامه آسمانی است و بس - بل چندان مایه تمیز

ضرور است که لا اقل معدة خویش را از معدن علم فرق

کند - بخار فضول را از بجور فضایل باز شناسد

غافل ای دل منشین کربودش رحم بسی

نه چنان هم که دهد بی طلبی کام کسی

گوهر علم نه چندان خار و بی مقدار است که بی زحمت و

ریاضت مورد افاضت گردد و هر کس را به نیل آن

امکان دست رس باشد - و انگاه مشتی سفله ناچیز ابله

بی تمیز غافل هززه گرد فتنه خواب و خورد بدخوی متدرو

پر گوی کم شنو که غایت کسبشان قیل و قال است و

حاصل عملشان مراء و جدال -

باده درو آورد شان مجنون کند

صاف اگر باشد ندانم چون کند

خصوصاً وقتی که با سلیقه کج و طریقه لج پیش گیرند - و هر چه

را فرضاً ادراک کنند عمدا انکار نمایند - راه گریز و جای تدبیر

نخواهد بود جز پناه بردن بخدای خود و داورى آوردن

بحضرت ولیعهد - اینک این غلام بخدای خویش پناه برده

و بدیوان عزیز داورى آورده - آنچه در مسایل عرضی

مایه غوغا و آیه دعوا بود در ضمن چند باب نگاشته است -

و چند فصل در مقدمه مرقوم داشته - چشم آن دارد که

اگر خطائی رفته مرتبی و ستار باشند - و اگر صوابی گفته از

تربیت آن سرکار دانند -

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود

این همه قول و عزل تعبیه در منقارش

امید است که تا جهان است خدای جهان عرشانه
 سایه این جهانها را بر مفارق جهانیان پاینده دارد - و
 یک طرفه العین این بنده ضعیف را بی شمول عنایت
 و شکوه حمایت خدام آن آستان باقی نگذارد - و بچشم الله
 عبداً قال آمیناً

یارب تو نگه دار وجودش کامروز
 در عالم اگر داد رسی هست همان است
 یک لحظه معاذ الله اگر عدلش نبود
 ظلم است که بگرفته کران تا بکران هست

SELECTIONS

— FROM —

The Ruqa'āt-i Qā'im Māqam

A Text-Book for the M. A. Examination
in Persian of the Calcutta
University.

BY

Shams-ul-Ulama Shaikh Mahmūd Gilānī.

CALCUTTA.

1915.

All rights reserved.